



بررسی حواشی نشست ممیزی در تئاتر و شائبه بهره‌برداری از آن برای اهداف سیاسی در آستانه انتخابات در گفت‌وگوی «ایران» با شهرام گیل‌آبادی

مجلس ضربت‌زدن!

گفت‌وگو

فاطمه ترکاشوند

روزنامه نگار

حواشی دومین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی حقوق تئاتر با محوریت ممیزی در تئاتر ایران که سه شنبه ۲۴ مردادماه در خانه تئاتر برگزار شد، این شائبه را ایجاد کرده بود که برخی چهره‌ها در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، قصد بهره‌برداری سیاسی از مسائل حوزه تئاتر و گفت‌وگوی اهالی این هنر را دارند. پیکانی که بیش از هر کس به سمت شهرام گیل‌آبادی، رئیس انجمن صنفی کارگردانان نشانه رفته بود و به نظر می‌رسید انتخاب سوز، شکل‌گراندگی و ایجاد یا دست‌کم عدم مدیریت فضای تنش‌آلود دو نشست، بستری برای سوءاستفاده در زمینه پیشبرد برخی اهداف سیاسی در انتخابات پیش رو باشد. از یک سو، اجازه‌ی ایجاد و تسلط فضای آلوده به ادبیات تند و توهین‌آمیز از سوی بعضی افسران، انتقادات اهالی تئاتر را نسبت به درین بستر قرار دادن مسیر گفت‌وگو بالا برده و از سوی دیگر تلاش برای ایجاد روایت یک‌سویه از نشست و هم‌سو جلوه دادن همه نظرات درباره ممیزی نیز نشان می‌دهد که برخی در عین مطلع بودن از ضرورت‌های غیرقابل‌انکار ممیزی، سعی در ایجاد فشار غیرمنطقی و بهره‌برداری از این موضوع همواره جنجالی را دارند. در حالی که اهالی تئاتر در گفت‌وگو با روزنامه‌های ایران از ضرورت تعامل و توافق برسر کیفیت اجرای قوانین صحبت می‌کنند برخی دیگر با زیر سوال بردن اصل قوانین، این مسیر را دشوارتر می‌سازند. بر این اساس و باتوجه به سوالات موجود درباره شکل و شیوه برگزاری این نشست‌ها، برای بررسی کم‌وکیف ماجرا به سراغ شهرام گیل‌آبادی رفتیم تا صحبت‌های او را درباره این انتقادات بنشنویم.

برخی معتقدند انتخاب موضوعات این نشست‌ها و برگزاری آن‌ها، برخاسته از اهداف سیاسی است و از درون تئاتر و مسائل آن بچوسیده است. پاسخ شما به این انتقادات چیست؟

کسی که چنین ادعایی می‌کند حتماً باید برای آن اسنادی هم ارائه دهد. درست است؟

الزاماً و منطقاً نه؛ چون زبون‌های سیاسی معمولاً با سند و مدرک انجام نمی‌شوند؟

چرا انجام نمی‌شود؟ هر زدوبند سیاسی باید مبنایی داشته باشد. اگر مبنایی نداشته باشد، تهمت و افتراست و باید در دادگاه صالحه رسیدگی شود. اگر سندی، مدرک، شواهد و قرائنی وجود دارد که می‌توانند مطرح کنند اما دیگر دوره این گذشته است که با تکنیک‌های رسانه‌ای و الفاظ بتوان از چیزی عبور کرد یا حرفی را مطرح و فرافکنی کرد. حرف ما نه سیاسی است و نه زدبندی پشت آن است.

حرف ما کاملاً روشن است. ما می‌گوییم موارد غیرقانونی در نظارت و سانسور وجود دارد که با قوانین جمهوری اسلامی مغایرت دارد. این مغایرت عملکرد، با رویه‌ای است یا عادت یا اینکه تبدیل به سلیقه شده است. مبنای حرکت همه ما باید قانون باشد.

اگر از قانون عبور کنیم به آن توهین کرده‌ایم و اگر بر اساس سلیقه باشیم یا اینکه تبدیل به سلیقه ما می‌شود بر اساس قانون مردود است. خواست مشخص ما این است مرکز هنرهای نمایشی، معاونت هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد به قانون بپردازند.

قطع نظر از ادعایی که مطرح کردید سؤال دیگر این است که خود شما در آدوار مختلف در حوزه‌های هنر و تئاتر، مدیریت داشته‌اید و با همین قوانین در حال مدیریت کردن این حوزه‌ها بوده‌اید. به علاوه

در جلسه‌ای با اعضای سخنرانی می‌کرد هیچ پاسخی ندادیم تا وارد حاشیه بشویم اما ظاهر آن‌ها دوستانی نان خودشان را در حاشیه می‌بینند و از اصل قرار می‌کنند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

چشم. سؤال چیست؟

محتوای نمایش که مدنظران است چه بوده؟

وارد مصداق شدن، بحث را منحرف می‌کند و مغانی که اثر را ندیده‌اند متوجه بحث نمی‌شود.

پس سؤال نکنید!

سؤال دقیقاً این است چرا آقای گیل‌آبادی که خودشان هنرمند هستند و در همین سازگار مجوز می‌گیرند و اثری را روی صحنه می‌برند، تازه یاد وجود سانسور افتاده‌اند؟

نه تازه یادمان نیفتاده است. ما اگر کاری می‌کنیم برای اصلاح است. بحث سانسور، بحث درازدامنی است که به امروز و دیروز هم برنمی‌گردد. این سؤال که چرا الان به آن می‌پردازیم، خیلی روشن است. ما بین کارگردان‌های تئاتر نظرسنجی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید به سه موضوع بپردازیم. اول به سانسور، دوم به صنف و سوم اقتصاد تئاتر. بنابراین چون جامعه تئاتر به این سه موضوع علاقه‌مند بود، ما در هر موضوع ۵ جلسه را تعریف کردیم تا این ۱۵ جلسه را با حضور مسئولان و متخصصان و جامعه تئاتر پیش ببریم.

ما در همین بحث همین الان خیلی مورد اعتراض هستیم که چرا پاسخ

مسأله، مشکلات نمایش نیست اما شما خودتان بهتر می‌دانید که فاصله اجرای «۶۵۷» با ضوابط اجرایی مرسوم زیاد است.

هیچ فاصله‌ای ندارد!

شما می‌توانید این را ادعا کنید اما مخاطب هم می‌تواند برود کار را ببیند.

خیلی هم خوب است و ما استقبال می‌کنیم.

ولی سؤال اینها نیست، سؤال این است که دولت اگر می‌خواست سخت بگیرد باید همان سال اول این کار را می‌کرد و شما همان دوره به فکر نظرسنجی و برگزاری نشست می‌افتادید اما برعکس الان که اثرتان در حال اجراست و خصوصاً بعد از وقایع سال گذشته که همه مسئولان فرهنگی را به نوعی منفعل کرده، یادش افتاده‌اید!

ببینید شما دارید کلی سؤال می‌کنید. ما می‌توانیم مصداق مشخص را از هر دولت بگوییم که هنر و هنرمند مورد ظلم قرار گرفته است. اما در این دولت به نسبت اندیشه‌ای که این دوستان دارند، بیشترین ظلم به هنر و هنرمند شده است. من می‌توانم با آمار و ارقام این حرف را روشن کنم. تفاوت ما اینجاست، من پاسخ شما را روشن و مشخص دادم. در انجمن کارگردانان نظرسنجی کردیم و سه موضوع در اولویت قرار گرفت. سانسور اولویت اول بود چون الان فشارها بیشتر شده است.

ما مصداق داریم. هر کارگردانی که دارد از مرحله نظارت و ارزشیابی عبور می‌کند، دارد مورد سانسور قرار می‌گیرد. من درباره کار خودم نمی‌خواهم حرف بزنم اما یادداشت‌هایم را منتشر کرده‌ام و آن موضوع شخصی است.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

دو سالی هست که شما ریاست هیأت مدیره انجمن کارگردانان را بر عهده دارید و دولت سیزدهم هم تقریباً همین مقدار است که روی کار آمده و طبیعتاً دو سال فرصت داشتید که این نظرسنجی را انجام دهید و به مسائل تئاتر بپردازید.

این دولت شورش را در آورده است. این، دولتی است که خیلی روشن و مشخص بر اساس یک ایده و اندیشه سیاسی ویژه دارد هنرمندان را آذیت می‌کند. ما در این دولت بیشترین آسیب محتوایی را داریم آن هم در کنار فشارهای متعدد مثل فشار اقتصادی که مانع تولید اثر هنری است. ما در تئاتر گاهی تا ۲۵ درصد افزایش هزینه‌های تولید را داشته‌ایم. کارگردان‌های ما دارند به زانو در می‌آیند. برای بیان اندیشه‌شان، محممل و پول و امکاناتی ندارند.

حمایت‌ها هم که به صفر رسیده و برخی آثار ۲ میلیون، ۴ میلیون یا ۵ میلیون حمایت دریافت می‌کنند! اینها را در نظر داشته باشید.

ادعای شما قضاوتش با خوانندگان ولی شما مدیر بوده‌اید و می‌دانید که علاوه بر مشکلات و فشارهای اقتصادی، هیچ وقت این طور نبوده که همه آثار در سطح بالایی حمایت مالی شوند. هیچ گاه چنین قراری نبوده و هنوز هم نیست و شرایط اقتصادی هم چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

قرار نیست همه آثار حمایت شوند اما بروید به اداره هنرها نمایشی بگویید برای هر تماشاگر، یک بارانه ۴۰۰ هزار تومانی پرداخت می‌شود. این بارانه کجااست؟

البته آنها همه سوالاتی درباره رقم حمایتی برای کرونا از خانه تئاتر داشتند که در جلسه هیچ پاسخی به آن داده نشد؟

به هر حال ۴۰۰ هزار تومان بابت هر تماشاگر سوپسید داده می‌شود و سؤال جامعه تئاتر این است که این پول کجا دارد هزینه می‌شود. ما در این دولت هم آسیب محتوایی و هم آسیب اقتصادی می‌بینیم.

این دولت پیش از دو سال است که روی کار آمده و طبق دوره تندی هر دولتی همان ماه‌های ابتدایی یا سال اول است که می‌خواهد به هوادارانش اثبات کند که پیگیر شعارهایش است. باعثاً در ابتدای دوره، شما باید بیشتر تحت این فشارها می‌بودید که به فکر برگزاری نشست‌ها بیفتید. اما حالا حتی تئاتر شخص شما هم روی صحنه است و نباید فراموش کنیم با شخصیت اولی در حال اجراست که به عنوان یک خانم، هم در ضوابط پوشش او نسبت به خطوط قرمز مرسوم، فاصله زیادی وجود دارد و هم در محتوای شخصیت‌پردازی و هم طعنانی از روایت.

چه مشکلی دارد؟

هیچ مشکلی ندارد.

من دو سالی هست که در خانه تئاتر نیستم و این موضوع را باید از خودشان بپرسید ولی این هم از آن دست مسائلی بود که از سوی معاون هنری به اشتباه مطرح شد و از جنس تهمت و افترا بود.

یعنی شکایت قضایی هم کرده‌اید؟ خیر چون ما نمی‌خواهیم درگیر حواشی شویم.

اما شما تقریباً در تمام موارد فرمودید که همه حرف‌ها قابل پیگیری قانونی و طرح شکایات است. پس چرا این کار را انجام نمی‌دهید تا قانون تکلیف را امین کند؟

بزرگوار را برای همین جا گذاشته‌اند.

سؤال دیگری هم درباره اداره جلسه، فضا و ادبیات برخی از حضار مطرح است. برخی از حضار حتی جلسه اول هم معتقد بودند که تعدادی از سخنرانان جلسه، با ادبیات بسیار ناشایست و نامحترمانه و ناسازگار، مباحث‌شان را طرح کرده‌اند. نظر شما در این باره چیست؟

چه عجب! بالاخره یک سؤال منطقی پرسیدید! پاسخ روشن و مشخص است.

ما یک پتل تخصصی داریم؛ یعنی سه نفر در این پتل قرار می‌گیرند که درباره موضوع مطالعاتی دارند و روی موضوع کار کرده‌اند. با معمولاً پنج نفر هم سخنران داریم که سعی‌مان این است که از نسل‌های مختلف باشند تا نظر همه شنیده شود. به نظر من دولت باید مشفقانه از انجمن کارگردانان تشکر کند که زمینه گفت‌وگو را فراهم کرده است.

گفت‌وگو با این ادبیات و تنش، امکان تحقق دارد؟

اگر عقل سازمانی وجود می‌داشت و علیه سیاست‌گذاری نبودیم، دولت باید از صنف تشکر می‌کرد و اصلاً از صنف می‌خواست که کارگرهای این جنبی داشته باشند ولی دولت صنف را روبروی خودش می‌بیند و این تقابل باعث می‌شود چون ضعف جدی در مدیریت فرهنگ و اقتصادی هم دارد، فرصت‌ها را بیشتر از دست بدهد. اما دولت از این کارگرها و از مشارکت صنف استقبال نمی‌کند. اتقدر این صداها را نمی‌شنود که این اعتراض‌های مدنی تبدیل به معارضه در کف خیابان می‌شود. کارکرد صنف این است که به کشور خودشان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کمک کنند.

علت وجود آن ادبیات و فضای پرتنش هم همین طور است. اتقدر صداها شنیده نشده که وقتی به این جلسات می‌آیند گفتارها سمت‌وسوی درگیری به خود می‌گیرد. ما باید از این درگیری‌ها عبور کنیم ضمن اینکه من به عنوان یکی از هیأت مدیره انجمن از هیچ توهینی دفاع نمی‌کنم. در آن جلسه هم یکی از کارگردان‌ها از یک کلمه سه بار استفاده کرد که به او تذکر دادیم.

موضوع انجمن کاملاً روشن است. موضوع ما این است که در عین مناسبت و معرفت و آرامش، آدم‌ها باید بیایند حرف‌هایشان را بزنند و از توهین و افترا و تهمت هم دور



من سال‌ها

مدیر بودم و در دوره من، کاملاً با آمار و ارقام همه چیز معلوم است. برخی از همین جوانانی که امروز روی صحنه هستند در رادیو کار می‌کردند و درخشیده‌اند و حرف‌هایی را زده‌اند که در درون دایره قانون بوده است.

همین درون دایره قانون دایره باعش شده که مردم حرف‌هایشان را بزنند و حرف‌شان هم شنیده شود.

سؤال دیگری هم درباره اداره جلسه، فضا و ادبیات برخی از حضار مطرح است. برخی از حضار حتی جلسه اول هم معتقد بودند که تعدادی از سخنرانان جلسه، با ادبیات بسیار ناشایست و نامحترمانه و ناسازگار، مباحث‌شان را طرح کرده‌اند. نظر شما در این باره چیست؟

چه عجب! بالاخره یک سؤال منطقی پرسیدید! پاسخ روشن و مشخص است.

ما یک پتل تخصصی داریم؛ یعنی سه نفر در این پتل قرار می‌گیرند که درباره موضوع مطالعاتی دارند و روی موضوع کار کرده‌اند. با معمولاً پنج نفر هم سخنران داریم که سعی‌مان این است که از نسل‌های مختلف باشند تا نظر همه شنیده شود. به نظر من دولت باید مشفقانه از انجمن کارگردانان تشکر کند که زمینه گفت‌وگو را فراهم کرده است.

گفت‌وگو با این ادبیات و تنش، امکان تحقق دارد؟

اگر عقل سازمانی وجود می‌داشت و علیه سیاست‌گذاری نبودیم، دولت باید از صنف تشکر می‌کرد و اصلاً از صنف می‌خواست که کارگرهای این جنبی داشته باشند ولی دولت صنف را روبروی خودش می‌بیند و این تقابل باعث می‌شود چون ضعف جدی در مدیریت فرهنگ و اقتصادی هم دارد، فرصت‌ها را بیشتر از دست بدهد. اما دولت از این کارگرها و از مشارکت صنف استقبال نمی‌کند. اتقدر این صداها را نمی‌شنود که این اعتراض‌های مدنی تبدیل به معارضه در کف خیابان می‌شود. کارکرد صنف این است که به کشور خودشان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کمک کنند.

علت وجود آن ادبیات و فضای پرتنش هم همین طور است. اتقدر صداها شنیده نشده که وقتی به این جلسات می‌آیند گفتارها سمت‌وسوی درگیری به خود می‌گیرد. ما باید از این درگیری‌ها عبور کنیم ضمن اینکه من به عنوان یکی از هیأت مدیره انجمن از هیچ توهینی دفاع نمی‌کنم. در آن جلسه هم یکی از کارگردان‌ها از یک کلمه سه بار استفاده کرد که به او تذکر دادیم.

موضوع انجمن کاملاً روشن است. موضوع ما این است که در عین مناسبت و معرفت و آرامش، آدم‌ها باید بیایند حرف‌هایشان را بزنند و از توهین و افترا و تهمت هم دور



من سال‌ها

مدیر بودم و در دوره من، کاملاً با آمار و ارقام همه چیز معلوم است. برخی از همین جوانانی که امروز روی صحنه هستند در رادیو کار می‌کردند و درخشیده‌اند و حرف‌هایی را زده‌اند که در درون دایره قانون بوده است.

همین درون دایره قانون دایره باعش شده که مردم حرف‌هایشان را بزنند و حرف‌شان هم شنیده شود. ما در این دولت به نسبت اندیشه‌ای که این دوستان دارند، بیشترین ظلم به هنر و هنرمند شده است. من می‌توانم با آمار و ارقام این حرف را روشن کنم. تفاوت ما اینجاست، من پاسخ شما را روشن و مشخص دادم. در انجمن کارگردانان نظرسنجی کردیم و سه موضوع در اولویت قرار گرفت. سانسور اولویت اول بود چون الان فشارها بیشتر شده است.

ما مصداق داریم. هر کارگردانی که دارد از مرحله نظارت و ارزشیابی عبور می‌کند، دارد مورد سانسور قرار می‌گیرد. من درباره کار خودم نمی‌خواهم حرف بزنم اما یادداشت‌هایم را منتشر کرده‌ام و آن موضوع شخصی است.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

بمانند. ما معتقدیم که آن آدمی که توهین کرد با معاون هنری از خودشان بپرسید ولی این هم از آن دست مسائلی بود که از سوی معاون هنری به اشتباه مطرح شد و از جنس تهمت و افترا بود.

توهین و فحاشی البته با تهمت فرق دارد و عناوین مجرمانه متفاوتی هم از لحاظ حقوقی هستند.

منافق بودن و جاسوس بودن، توهین نیست؟

معاون هنری خطاب به شخص خاصی از این عناوین استفاده کردند یا گفتند جریانی در تئاتر هست که دارد از منابع مشخص پول می‌گیرد؟ این با فحاشی برابر است؟

وقتی در یک جلسه شبهه ایجاد می‌کنید متعایش چیست؟

به هر حال این یک ادعاست که منبع آن هم خود آقای سالاری نبوده و تصریح کردند که مراجع اطلاعاتی، اسنادی را به من ارائه داده‌اند که این طور است و دستگاه قضایی هم دارد پیگیری می‌کند؛ این را که نمی‌شود توهین به حساب آورد! شما خودتان مدیر بوده‌اید. واقف معتقدید هیچ جریانی در حوزه فرهنگ و هنر از منابع نامعلوم برای تولید محتوای خاص، حمایت مالی نمی‌گیرد؟

مگر شما از روزنامه‌تان پول نمی‌گیرید؟! منبع پول‌تان مشخص است و آدمی هم که از آن پول می‌گیرید معلوم است. اگر غیر از این ثابت شود دیگر جایش اینجا نیست که در یک جلسه عمومی بگویم.

مسأله این است که این توهین و تهمت نیست.

اما اشتباه است که یک مدیر برای اینکه سازگار غیرقانونی سانسور را اثبات کند در یک جلسه عمومی، این موضوع را به جمع اطلاق دهد.

اگر به جمع اطلاق داده‌اند که اشتباه بوده است.

چنین مسئولان بی‌معرفتی اساساً نباید در کشور باشند. فضای فرهنگی نیاز به وزیر و مدیر هوشمند و آدم فرهنگی دارد که بتواند با اهالی فرهنگ و هنر مثل خودشان دیالوگ فرهنگی داشته باشند نه اینکه تهمت و افترا بزند. الان همان سخنرانی، ۳۲ تا واژه‌ای دارد که سه سویه تهمت و اعراب و تهدید دارد. همه اینها نیاز به سند و مدرک دارد. ما حق نداریم یک کیس امنیتی را که در ذهن داریم به همه تسری دهیم.

پس در این مقدار که فحاشی و تهمت دو عنوان مجرمانه متفاوت هستند توافقی داریم.

ما حتماً فحاشی را ماطرود می‌دانیم اما تهمت و افترا هم باید پیگیری شود. کار غلط، غلط است. چه یک کارگردانی فحاشی کند که من همان جا هم تذکر دادم و مدیر هم محاملاً با سند و مدرک انجام نمی‌شوند؟

چرا انجام نمی‌شود؟ هر زدوبند سیاسی باید مبنایی داشته باشد. اگر مبنایی نداشته باشد، تهمت و افتراست و باید در دادگاه صالحه رسیدگی شود. اگر سند، مدرک، شواهد و قرائنی وجود دارد که می‌توانند مطرح کنند اما دیگر دوره این گذشته است که با تکنیک‌های رسانه‌ای و الفاظ بتوان از چیزی عبور کرد یا حرفی را مطرح و فرافکنی کرد. حرف ما نه سیاسی است و نه زدبندی پشت آن است.

حرف ما کاملاً روشن است. ما می‌گوییم موارد غیرقانونی در نظارت و سانسور وجود دارد که با قوانین جمهوری اسلامی مغایرت دارد. این مغایرت عملکرد، با رویه‌ای است یا عادت یا اینکه تبدیل به سلیقه شده است. مبنای حرکت همه ما باید قانون باشد.

اگر از قانون عبور کنیم به آن توهین کرده‌ایم و اگر بر اساس سلیقه باشیم یا اینکه تبدیل به سلیقه ما می‌شود بر اساس قانون مردود است. خواست مشخص ما این است مرکز هنرهای نمایشی، معاونت هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد به قانون بپردازند.

قطع نظر از ادعایی که مطرح کردید سؤال دیگر این است که خود شما در آدوار مختلف در حوزه‌های هنر و تئاتر، مدیریت داشته‌اید و با همین قوانین در حال مدیریت کردن این حوزه‌ها بوده‌اید. به علاوه

در جلسه‌ای با اعضای سخنرانی می‌کرد هیچ پاسخی ندادیم تا وارد حاشیه بشویم اما ظاهر آن‌ها دوستانی نان خودشان را در حاشیه می‌بینند و از اصل قرار می‌کنند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.

معاون هنری را نادانم و من و هیأت مدیره انجمن کارگردانان، متانت به خرج دادیم تا آقایان هر حرفی دارند بزنند و بعد که تخلیه شدند حرف‌های فنی و تخصصی جامعه تئاتر گوش بدهند.

با تمام اینها سؤال بنده را پاسخ ندادید! شما به اصل ۲۵ قانون اساسی اشاره کردید درحالی که موضوع این اصل نامه‌ها و مکاتبات و هر چیزی مربوط به مبادی ارتباطی است که در آنها سانسور ممنوع است. با این حال بدبختی است که در قانون اساسی کشور، بر آزادی بیان تصریح شده شکی نیست اما مسئله ما اساساً اصل قانون نیست و کسی در آن مقدار بحث و تردیدی ندارد. شوه‌های اجرایی هستند که این نقایضها را ایجاد می‌کنند. لذا سؤال این است که آقای گیل‌آبادی که خودشان مدیریت برعهده داشته‌اند و سال‌ها در همین سازگار اثری روی صحنه برده‌اند، چرا باید در این مقطع این مسئله را مطرح کنند؟ خصوصاً که بسیاری از اهالی تئاتر و علاقه‌مندان با آثار شما آشنا هستند و همین نمایان شده شما، پیش چشم همه است که در دایره کدام فرایط یا چه میزان رواداری یا سخت‌گیرایی و سانسور روی صحنه رفته است.

دوست دارم به این موضوع بپردازید! کلی حرف زدن، نتیجه کلی دارد. دوست دارم با جزئیات به آن بپردازید!

به هر حال دو حالت بیشتر ندارد: یا این اثر سانسور شده و شما پذیرفته‌اید که با این سانسورها روی صحنه بروید یا اصلاً سانسوری لافال به شکل مزاحم و آزردهنده انجام نشده که شما را آذیت کرده باشد. کدام یک از این دو حالت بوده است؟

اول شما پاسخ من را بدهید تا بعد من به تفصیل به جواب شما بپردازم.